

و مقدمه

انسان موجودی است که اعمال و رفتارهای او متأثر از آداب و رسوم و قوانین اجتماعی است. انسان بدون تعلو به گروه اجتماعی نیست نمی‌گذرد و به نفع برای استفاده از امکانات این دنیای گسترده به صورتی از جای نیازهایش توان کافی ندارد.

به عبارتی، انسان در گروه متولد میشود و در گروه زندگی و در گروه نیز می‌میرد. درمان میشود.

آنگاه که علامت اجتماعی را در انسان امری ذاتی میدانیم و معتقدات انسان از بدو تولد در درونش ثبت شده و از راه اجتماعی بحیثیه و متقابل قرار میگیرد و شکلگیری تحریف او بر اثر همین ارتباطات متقابل است.

از این رو، با گروه بودن و در گروه زینت بران انسان امری اجتناب ناپذیر است.

الگوی زندگی که از راه ابعاد رفتاری انسان دانسته باشیم متوجه می‌شویم که هیچ بعدی از ابعاد رشد در خلایق و تنهایی امکان پذیر نیست و گروه در ارتقاء رشد انسان میتواند نقش مهم داشته باشد.

در عصر امروزه ما توجه به یکدیگر در جوامع و برور ناب همجاری‌های رفتاری و روانی کودکان تا نوجوانان و افراد مسن نیازمند ارائه راهبردهای روانشناسی جهت رفع اختلالات رفتاری، روانی، تعلیمی و تفریحی و تقابلی هستند.

قرار بر اینست که در کنار امری که از بسیاری حیثیت‌ها به یکدیگر بوده و میتوانند نیازها، مشکلات و مسائل یکدیگر را درک نمایند انسان را از جهت شناخت بهتر خود، درک دیگران و دانش زندگی سالم تر کمک می‌نمایند.

مثلاً هر گروهی که در کنار هم زندگی می‌کند و در هر یک از آنها دانشی در مورد یکدیگر و صمیمیت برقرار می‌گردد و خود را طی خواهد نمود.

به عبارتی، گروه ^۱ به صورتی، چارمانی، چارمانی و ... می‌بایست ویژگی‌های داشته باشد تا موفق شود.

در این بحث سعی شده به امر از یک منظره از طریق تفکر گروه به دیدان یک عابد تا به حل مشکلات خود پرداخته و به روش و شکوای پرسش‌های انجام کار امر خسته شود.

از آنجایی که نیاز به برپا کردن گروه در بسیاری از موقعیت‌ها در این احساس می‌شود، می‌بایست گروه خواهد توانست ^۲ اطهر های لازم در این زمینه را ارائه دهد.

تعریف گروه

گروه جمع ۲ نفر یا بیشتر است که هدف مشترک و کنش و دانستن دارند، به عبارتی یکدیگر و ارضای احاطه می‌دهند و از ترانج و مقررات معنی به تبعیت می‌کنند.

فناهم و مصیبت بن آن‌ها حاکم است و برای رسیدن به اهداف مشترک و وحدت عمل دارند. با این تفاسیر، گروه می‌تواند از یک عضو، فردی، در کنار هم داشتن است.

به عبارتی، گروه به عملکرد و حالات روانی افراد اثر می‌گذارد و معانی به عبارات آن‌ها را شکل می‌دهد.

و به تعدادی از افراد با توجه تفاوت‌های فردی، دو یکدیگر جمع شده و پیرامون مسائل خاص محبت می‌نمایند، گفته می‌شود با یکدیگر رابطه روانی پیدا کرده‌اند. وجود این رابطه در یک گروه شرط لازم است اما کافی نیست، علاوه بر این ویژگی گروه باید دارای هدف خاص نیز باشد.

هدف مشترک باعث انجام گروه می‌گردد، علاوه بر وجود رابطه روانی و هدف

مشترک، در گروه باید تقسیم و قانون بندی نیز وجود داشته باشد و ملأ این مضمین یعنی
با این ویژگی ها من بابیت از یک رهبری صریح و عاقلانه نیز برخوردار باشد.

برای تحقق یابی گروه باید برخی با این ویژگی ها را داشت

۱. مزایای مغایرت های گروهی

۱- گروه برای اعضای خود این فرصت را فراهم می آورد که بداند تنها آن از مشکلات
عنی نمی برند (بلکه) افراد دیگری نیز دچار مشکلات و مسائل خاص خود هستند
(اصل غرابت مستقل)

۲- در گروه به افراد فرصت داده میشود تا تفاوت منصفانه برای نسبت به خود و دیگران
داشته باشند.

۳- وقتی یک فرد در جمع قرار میگیرد فرصتی پیش می آید تا شناخت عمیق تر و کامل تری از خود
بدست آورد و بازخورد های دیگران و نظرهای آنها نسبت به ما در داشتن تصویر
ذهنی کامل تری از خودمان مایه گرمایت.

۴- در گروه افراد می آموزند از حقوق خویش دفاع کرده و به حقوق دیگران نیز احترام
بگذارند.

۵- گروه به افراد کمک میکند تا احساسات و عواطف خود را بشناسند و اصداح کنند
و احساسات و عواطف دیگران را نیز درک کنند و هر زبان به این فرایند احساسات خویش
را نشان بدهند.

۶ - در گروهی به افراد جهت اتمام وضع به نحوی مؤثر تر و مثبت تر و هم چنین ایجاد مصممیات به نحوی عاقلانه تر کمک شود، به این ترتیب افراد برای ایجاد تغییر در زندگی خود و یادگیری هر چه بیشتر مهارت حل مسئله یاری می‌شوند.

۷ - صلاحیتی انتقاد کردن، قبول انتقادها، سازنده دیدن، صلاحیت مورد نیاز و پذیرش قرار گرفتن و ساطی از این مصل از جمله یسرفه های است که از طریق تسفیل گروه ایجاد شود و افراد به راحتی به نفع کمال رخص خوشین نوع داده شوند.

، یویایی در گروه به چه حد است ؟

کلمه یویایی به معنی حرکت و تلاش و فعالیت است و در برابر استیسی و سکون و بی حرکتی قرار دارد. یویایی گروه یک تعریف و باید ملت و یانین و شیوه اتمام رساندن کارها نیست، بلکه همان حرکت، تحول و فعل و انفعالات پییده ای است که بر اثر کشش های متقابل در درون گروهی بر وجود می آید.

هدف یویایی شنای گروهی است که :

با شناخت ماهیت و توانایی تسفیل و قبول گروهی شده های مخلوق مؤثرتری برای گروهی معرفی شود تا از ریاضت رفتار آنها در گروهی بهبود یابد.

از طریق بدیایی شنای گروهی روابط و تقابل های درون گروهی مورد مطالعه و برر ترا میگرد. بدین وسیله میتوان ارتباط بین افراد را در زمینه های محلی، لغتاری و فکری بهبود بخشید و به تساری از نام سامان ها و برداشت های نادرست افراد از یکدیگر و هم چنین از مسائل مختلف پایان داد.

پس، با این تقاسم، یونانی عبارت از :
ضمان، نفع و انفعالات، تأثیر و تأثرات متقابل در جنبه دینیم عده ای از افراد
که به منظور خاصه دور یکدیگر جمع شده اند.

این تقاسمات و تأثیرات خود را می توان به واسطه سه حالات و خصوصیات روانی افراد می توان
به نوعی یونانی در گروه عبارت است از :

تغیرات باطنی دهنده ای که در گروه بوجود می آید و این تغییرات خود را می توان از تغییراتی
است که در هویت از دست ها و یا اعمال گروه حاصل گردیده است.

لازم به تذکرات که :
و چون یونانی در گروه ممکن به میزان مهارت مانور یا هر گروه مندر دارد و ایند طو
در شکل دادن گروه، آثار اعفاء، تقسیم هدف و هدایت اعضا در جهت دستیابی به
اهداف گروه فعالیت نماید و بتواند از توانایی های افراد به نحو مطلوب استفاده نماید.

بطور کلی،
تأثیری که هنوز در گروه و در رفتار با اعضا میگذارد همراه با باز خورد های متقابل آن
یونانی گروه نامیده میشود که باید همواره در یک گروه موفق جریان و نمود داشته باشد.

در ویژگی های گروه،

برای شناخت هر گروه و می توان به ماهیت آن آشنایی با ویژگی های گروه ضرورت دارد، مشخصاً
تیم ویژگی های متعددی را برای گروهها بر شمرند که در این از بین ویژگی های مختلف اینها
را می توان به در ماندر در تفصیل گروه درمانی بیشتر ماری می دهند، هر یک از اینها به صورت مختصراً
توضیح می دهیم.

این ویژگی‌ها در گروه مشترک است و باعث شناخت و وجه تمایز بین انواع گروه می‌گردد.

(۱) تاریخچه گروه :

هر گروه تاریخی‌ای دارد و اطلاع از آن در شناخت نوع روابط / انتظارات / محدودیت‌های اعضای نقش مهم دارد.

عملکرد اعضای گروه / تاریخی‌ای کوتاه دارد و امراد تازه در هر جمع پدید می‌آید مابین گروه / مدت‌ت شکل گرفته و قدمت طولانی‌تری دارد متفاوت است.

معمولاً در گروه‌های تاریخی طولانی دارد اعضای گروه ملکی را می‌شناسند، با انتظارات خاص گروه آشنا هستند و روش تحمل و تعامل خود را در گروه مشخص ساخته‌اند.

به عبارتی، امراد گروه در مسیر محقق‌تر از برنامه‌اند و به سمت هدف مشترکی پیش می‌روند. و این نقاط در گروه / تازه شکل گرفته و از تاریخی‌ای به جزو این نیست مشاهده نمی‌شود.

صلیحات تاریخی گروه هم به نوع روابط و تعامل درون گروهی امراد گروه تأثیر می‌گذارد و هم به نوع رابطه با هم گروه با امراد گروه.

(۲) عضویت قابل تعویض :

هر عضو گروه باید خود را جزئی از گروه احساس کند و حلقه شراکت عضویت در گروه را می‌سازد و به اهداف گروه معتقد و پایبند باشد، از هر امری گروه نیز باید خبر دهد و به عضویت قبول کند، حتی در برخی گروه‌ها پذیرش عضویت گروه می‌تواند به واسطه تعزیمات خاصی انجام می‌پذیرد.

معمولاً، در گروه‌های آموزشی / درمانی / مشاوره‌ای و حلقه هر گروه به هم محدود می‌شود و می‌تواند به گروه گرفته، امراد به اراده خود و بدون در نظر گرفتن بکری مداخلات نمی‌تواند به گروه

وارد مالک آن خارج شوند، بلکه باید صاحب یک عفت و تقوی شده بودند، و هدف گروه
باشند تا بسند و در راه رسیدن به هدف با رسیدن آن شایسته باشند.

(۳) احصای آرمان و هدف سترگ :

هدف از تعریف به معنی نماند و مقصد و آن چیزی است که آرام برای رسیدن به آن
میگویند، هدف ایجاد انگیزه میکند و به انسان نیروی انجام کار میدهد، هر گروه و یا
هدف یا اهدافی دارد و اعضا در صدد هستند که بدانند و برسند.

و هر هدفی باعث تدارک گروه میشود و گروهی که به هدف نیرو و مداومت میسوزند هدف
است که اعضای گروه را به هم پیوند میدهد و باعث انسجام و همبستگی میان افراد شود.
و صلا هدف در بقای گروه نقش مهمی ایفا میکند.

(۴) همبستگی گروهی :

همبستگی گروهی نیروی است که اعضای گروه را به یکدیگر مربوط میسازد و موجب صفا و اطمینان
میان اعضای گروه و پیشگیری از از هم پاشیدن، گروه میگردد.

همبستگی گروهی همان کوشش و پیوستگی اعضای گروه نسبت به یکدیگر و نسبت به هدف گروه
میباشد، که این همبستگی منجر به هم نوازی و هم راهی افراد در مسائل و در رفع و حل
مشکلات میشود.

در مدله گروه و من افراد نسبت به یکدیگر اعتماد و اطمینان داشته باشند اما این یقین و اطمینان بوجود
میآید و از همبستگی و وحدت خوشی لذت بسیار خواهند برد.

هر چه در هم همبستگی گروه بیشتر باشد و اوامش گروه و محبت بین اعضا بیشتر خواهد بود و افراد
بیشتر و غیر در خدمت یکدیگر قرار گرفته و با سطوح نیازهای روانی و عاطفی هم خواهند بود.

به عبارت دیگر خواهد پذیرفت و پذیرفته خواهد شد و از بودن در گروه احساس امنی و رضایت خواهد کرد.

⑤ نقش و دانش اعضا :

اعضا در گروه به فعالیت می یابند و با یکدیگر ارتباط داده و غیر مدام بر سر کار می سازند، علاوه بر پذیرفته شدن آنها متقابل اعضا با یکدیگر است و بدون نقش و دانش رفتاری گروهی وجود ندارد.

از طریق نقش و دانش است که افراد با عوارض / احساسات / رفتارهای ذهنی یکدیگر آشنا می شوند و اطلاعات و تجربیات قابل انتقال می گردند، به طور کلی این معول، از ارتقاء آسانی هر گروه محسوب می شود و با بررزی میزان نقش و دانش اعضای گروه می توان درباره انبساط و یا تنگی گروه و نحوه روادار اعضا با یکدیگر مقایسه کرد.

⑥ معیارها و استانداردها در گروه : مداوم در گروهی در گروه آسان نامیده می شود و مقررات است که اعضا گروه باید از آنها آگاه باشند و به کار ببندند. توانش گروه به ایجاد نظم و روان رفتاری گروه و همچنین بر میزان مهارت گروه و احساس تعلق اعضا مستقیماً اثر می گذارد. در هر گروهی اعضای گروه در بر و ورور و در بر گروه، از توانش و مقررات و معیارها در گروه آگاه می شوند تا بعداً دچار احکام و سردرگمی نباشند.

تغییر در گروه :

هر وقت یک از یو یایس شود یا بدان باید منتظر در گروهی و تغییر باشیم به عبارت دیگر فعالیت گروهی که به تغییرات مثبت بینجامد یو یایس را نشان نمی دهد. تغییر عبارتند از : هر گونه خروج در گروه است که در فرایند ایجاد شود، تغییر به

به معنای دیگرگون ساختن و انتقال از حالتی به حالت دیگر است، بلکه در نظر از اهداف علم روان درمانی تغییر در رفتار و عادات است، هر دو عبارت مختلف روانشناختی می‌باشند و تغییر در عادات و عاداتی که در زندگی انسان تأثیر می‌گذارد.

از دیدگاه روانشناختی می‌توان گفت:
تغییر به معنی شغل دائمی و مداوم رفتار فرد در جهت مطلوب و بهبود زندگی است.

تغییر بارز در کودکان در باورها و رفتارها را می‌توان دید.
برای ایجاد تغییر باید نیاز به تغییر احساس کرد، هرگاه رفتارهای ناسازگار
(مردنی) موجب دستور دهنده قرار بگیرند و با نتایج مورد انتظار را به بار نیارند
نیاز به تغییر پیدا می‌کند که در این صورت فرد یا گروه به تغییر
برای نتیجه (موفقیت) می‌تواند و برای پذیرش آن‌ها در صورتی که
آنها را می‌پذیرند.

(۶) برای ایجاد تغییر هم چنین باید بر رفتار مدام در برابر تغییر بخوابد
(برای) چون در این / ایجاد تغییر در هر رفتاری مستلزم آن است که از نگرانی
خلاف به هم و بر نگرانی برانگیز می‌گردد.

(۷) (مردنی) گاهی باید اطمینان و شرایطی که تغییر را سهل و سبب سازند باعث
شناخت شوند و مورد توجه قرار گیرند.

در نگاه‌های مختلف در مورد تغییر:

در این دیدگاه با چند دیدگاه و تعاریف مورد توجه است که به شرح می‌رود:

۱) دیدگاه پوپر: از عقاید، رفتارها و عادات در داخل گروه را می‌توان تغییر داد.

نظر ادر، قفسه در، کلمات اجامی و مروه از مرقع جمع و مروه مسیده است، مروه زمانی
سترا اند در، بقیر اعصابش رونق شود که از صفتک بالایی سر جزو را باشد و مروه
مگروه احسان نقلی کند.

مردم ترتیب برای تغییرات خارج گردید. احداث کانال و لایم را دریافت
مسئله و از طرح ها، برام ها و عواید تغییر می آید. طبع می شود.

گروه باعث شود فرد بدین ترتیب و با امنیت خاطر استیاری به تغییر بپردازد
و تواند نتایج تغییر را تجربه کند، ضمن عملکرد در سطح گروه بصورت یک کل توانست، هرگونه
تغییر در یکی از اعضا باعث درگیر شدن دیگر اعضا شود، یا به عبارتی، تغییر هر فرد
به تغییر گروه درگیر است.

با این تفاسیر "لَوْنٌ" بعد از اجاعی یا قاعل اجاعی در وضع گریهی را از دست یغیر میداند.
یا به نزع گریه بحد کسده یغیرات است.

(۶) دیدگاه "الهی": او اساس بقا را در دگرگون سازی عظیم انکار و عبادت عمر بنفعلی و ناسحقول مر دمدا بد

و معتدات، ناراضی ها و اضطراب ها، فرد ناخوش از احاطه غریب طبعی اوست، لذا برای تغییر رفتار من باب، تحذیر فکر صورت گیرد، پس باید از مزین و آگاهان دانش، استدلال و منطق و سخنان هدایت و راهمانی صمیم و صریح استفاده نمود به جهت آید.

از ریدگاه او هرگاه واقعه ای اتفاق افتد خود واقعاً با یک اضطراب و نگرانی عمیق
بلکه تمام اعتمادی و برانگیختگی که به حاکم عرب فارسی و احمدخان در قاف
سلطنت

در تنوع گروه در اما عداوت برانند، در مانند با مسأله از طرح واقع - تکام اعتقادی - ناراضی و نگرانی
برای توجیه مستقل استقلال و سبک، به هر یک از اعضای گروه فرصت میدهد تا
در غالب چنین تقارن به تفکر و عمل بپردازند و بدان را در در میان باری است

(فکر ← احساس ← رفتار) (حادثه ← طریقه فکری ← میراث از نژاد و اوضاع)

مالین تفسیر "السن" به عقایدت برای تغییر مثبت رفتار احدی است امر او یاد بگیرد
درست بیان نیست و به سبب بار عاقل و رحمانی سببی از صدمه بدهند
و نافرمانی

(۱) فکر ما در احاسات ما و احاسات ما در رفتار ما تأثیر گذار است، یک رفتار
درست میتواند درستی بخواهد، یعنی فکر درست و احساس درست

(۳) دیدگاه، راجح، از دیدگاه راجح رفتار عین العمل فرد بر زمینه ادراکی است، و
ادراک رفتار را یقین میکند که از این رو اگر چه به نظر فرد در شکل خبی و معنی دهد به
ادراکات کنونی مؤثر است (۱) تمام عوامل ایجاد کننده رفتار در زمان حال قرار دارند

ما توجه به این مسئله می‌خواهیم در رفتار فرد تغییراتی ایجاد کنیم باید ادراک او را تغییر

دهیم.
راجح می‌گوید هدف اصلی انسان در طول زندگی رسیدن به توانایی‌ها، با بقوه و تحقق خویش است
او انسان را موجودی عاقل، منطقی، آقا عی و هدف دار میداند، که اگر به او فرصت داده
شود، خوبی و نیکی در او بروز میکند و مستر اند تغییرات لازم را در اشتهای او، به علم خاطر
معتقد است

ما در یاد در مانند می‌بایست از تجویز مداخله، به سخت کردن، یا تحرا کردن، و یا به روش خود را
عورزند. در مقابل با فضیلت کاری اعضای گروه به انجام فعالیت‌ها به نظر روشن دادن فعال
انگاس احاس و آثار / روشن سازی مطالب و از این رو همواره به تحقق خویش را احسان پذیر

(در دیگر مردمدار)
 به جای تأکید بر تغییرات محلی خود را طاهری باید تغییر کند.
 راجع به عقد بود که
 انسان بصورتی برای ترس به شرفا شدن، بر درش یاقین و بر اندیش خود
 دارد.

به دربان مردمدار اعتقاد در انت و معتقد بود که این خود مرداب
 که تغییر میکند.
 (خود مردمنه دربانتر)
 تغییرات را ایجاد و هدایت میکند

ماکت تأسیس در کاهانه ای نه سزوه ای ماضی را احاطات و
 هیمنات جاری بپسین تأسیس را در رنده می مالارند، پس پس از حد به
 تجارب گذشته کجا بدضم. چون تجارب گذشته هم اند و به نباید رندگی
 حال ما را رقم نرشد تازه باید از آنها درس بگیریم.

(۴) دیدگاه تاریخی: به عقیده او، تقلید و اقتداء اجتماع همی است و امر از حامیان
 حریف های تازه تقلید میکند و رفتار خود را تغییر میدهد.

در همان تقلید انسان خصوصیات ار را کس و از رفتار دیگران را اصلاح می بازسازی
 میکند و به انجام آن می پردازند. معهود تقلید زمانه انجام می پذیرد که فرد فکر میکند
 تقلید موجب تأیید و توثیق در آن و یا توفیقش در امور شود.

بعوضی تقلید تأثیر متقابل افراد بر یکدیگر است و تحفص میگوید تا رفتار و اعمال دیگری را عیناً
 انجام دهد.
 به تازم معتقد است از فعالیت های برخی این فعالیت می تواند مشتمل باشد و حنا بروه
 مانور محراب و طاهری داشته باشد و اعمال آن نیز درست و هر چند آن آفتاب شده
 باشند این فراموش در توانی قس خواهد داشت.

۵ دیدگاه "لوبون": لوبون تقلید بدین را در تغییر، عاملی جهت تقلید میکند. بن تقلید و تقلین تفاوت وجود ندارد.
تقلین مراد عالمی تر و مجبیه و برتری است که از طریق تقلین فرد به مقلد خصوصاً آنی که در گروه وجود دارد متماثل میشود و تعامل برقرار می‌گردد. تمایل به پذیرش این خصوصیات را در فرد تقویت و تشدید میکنند تا آنکه فرد آن موارد را به خود وارد کند و درونش متغیر یعنی موارد را در درونش تقلید و عبادت می‌نماید.

بن و ر تقلین فرد را تحت تأثیر قرار میدهد و او را واسطه‌دار یا اسیر را بنزیر و باور ساز به عقیده "لوبون" این فرآیند نیز می‌تواند در تغییر کردن تأثیر داشته باشد.

مقاومت در مقابل تغییر

تقسیم که نسبت به وائش ها در گروه باعث تغییر رفتار و عملکرد اعضا شود. عده‌ای از اعضای گروه از این تغییرات راضی و خشنود هستند و آنان را می‌پذیرند و عده‌ای از اعضای گروه از این تغییرات ناراضی و در برابر آن ایستادگی می‌کنند و ترجیح می‌دهند وضع موجود را حفظ کنند.

به مقاومت در مقابل تغییر همواره نباید بارید منفی نگریست. مقاومت گاهی مفید و مورد نیاز است و موجب می‌گردد رهبر گروه هدف از تغییر و تسامح آن را در کشور و کارآمدتر تر وضع دهد و به ناگهانی بودن و ناآرامی بودن اطلاعات و هم چنین ضعف روابط خود با اعضای گروه منجر به سرد و در بدنامی های موجود برای تغییر گردد.

در گروه‌هایی که تحت نفوذ اعضای گروه بائش است مقاومت در مقابل تغییر کمتر می‌باشد.
در جوامع اسلامی مقاومت افراد و برابر تغییر توانایی و ادب و مردم بسیار رند است.

حرمِ گھر میں ترویجِ برائی نہ ہو، معاشرتِ برائی سے اجتناب (بُری باتوں سے اجتناب)

درمیانِ آدمی کے بغیر از طریقِ امر اور باغی و معصوم بہ گروہ شکار سود در بغیرِ امر اور در گروہ
تائیدِ بدی از بخارِ حق دارد کہ از امر و کم نفوذ و کم قدرت ارادہ کثرت است۔

بنا بر این، بغیر یا معاشرتِ ہائی موافق ہو، یا مخالفتِ علی معاشرتِ ہائی معاشرتِ ہائی
را بہ طریقِ درست بر طرفِ مخالفت بخواند مثالِ ترس از نامِ باغی و از ہم کسبِ حقی
وضع موجود ملک از علی معاشرتِ در مقابلِ بغیر است۔

فردی کہ بہ زندگی نسبتاً مایوس و آرام و ثابت خورگہ و عادتِ گراہ میسرید مبارکند
تغیراتِ جدید زندگی آرام اور اچھل سازد۔
ترس از آئندہ ہم نیز افراد را مضطرب و نگران سازد و معاشرتِ ہائی را بہ
میلند۔ مگر افرادِ مسن کہ عادت و ارادہ ہائی ہائی نسبتاً کثرت است نیز بغیر
کارِ حقیقت است۔

این نکتہ برای کسانی کہ اہد با بالذات کار کثرتِ حقیقت ہم است۔ در بکرم فضی و علامہ
شدید بہ ارزشتہ و آداب و رسوم مدعی، علتِ دگر در مقابلِ معاشرتِ در بغیر از این
بہ امر و ادب است۔

اینان از حسی کہ بہ آن دگر عافیت دارد بہ سختی دست بر میارند و جدا شو و دوختہ ہائی
دگر از علی معاشرتِ امر و در مقابلِ بغیر متواند چھل و نادرے و نا اگاہی امر و ادب است۔

و در زمینہ بغیر رہبر گردد بہ چہ نکتہ باید توجه کند :

① چھلکہ نباید بغیر را در ضرر و ناخیز و خرابی طرد دھد و عدمِ زیریں و عدمِ زیریں اور
ماترائی او بداند۔

(۲) در برابر مخالفت ها و مقاومت های افراد نسبت به تغییر باید با اسرار و نثرانی های طبله های به توجیه مطالب و اثبات نظریات خود پرداخت.

زیرا مصحح کردن و سبک دادن صرف در تغییرات زبانی که با تغییر به دردت مخالفت اثر نامری دارد. همان زمانی تغییر مکتب که درستی مطلبی را که باور کرده باشد یعنی خود به نحی ای برساند که خواهان تغییر شوند.

مصطفی کیمیاور با ما و این است که به مردم کمک کند کتاب با تراغیری و یا پریش خود به این حکم مطلوب برسد که باید تغییر کند. تغییر فرمایی و رسواری صورت نمی گیرد.

(۳) اجمالاً ما رو زور نیز برآورده و به افراد گروه برای تغییر نه تنها کار آمد و علمی نیست بلکه عکس العمل های شدیدی بر علیه تغییر روضه تغییر به وجود می آید.

تغییر با ارزشی سرکار دارد و افراد گروه باید در نقش اهداف تغییر و موارد تغییر هم باشند به عبارتی مهیای تغییرات آزارانه و آگاهانه و یا خدایت خود فرد نمی باشد.

در راهانی و مشاوره گروهی "

مثل از عث در باره راهانی و مشاوره گروهی باید مفهوم راهانی مشاوره بطور عام مجدداً مورد بررسی قرار گیرد.

راهانی هرمان یاری رنده است که از طریق یک سلسله مصالحت ها منظم و سازمان یافته بر سر متقابل و همجانبه انسان می انجامد و موجب بهره گیری از حد اکثر توانمندی های بالقوه فرد را خلق می آورد.

راهانی مفهوم وسیعی دارد و تمام سربانه ها و حالت های رایج برای کمک به فرد حکم می کنند را شامل می گردد و نه تنها آنند، راهانی جنبه رفتاری دارد.

و اما ما آورده بعنوان یک صفت تحفیف به تعبیر و تفسیر فعل و یا متن راه حل های مناسب برای آن مبارزه می ورزد.

در جریان مشاوره مراجع از طریق ثبت دیوانه و در یک جو مطلوب نظام خود را آهسته آهسته، طریقی بقیه می ریزد و آموزد و مهارت حل مسئله را تجربه می کند.

مفعل مراع معنی است از زمینه های عاطفی / اجتماعی / ذهنی / اخلاقی / خانوادگی و یا شغلی باشد. مشاوره قلب راه های خوب شود. در مشاوره ایجاد رابطه و حتی بین مراجع و مشاور ضرورت دارد که کار بر روی مهارت های خاص از طرف مشاور از اهمیت خاص برخوردار است.

به عبارتی، یک مشاوره موفق است زمانی که آگاهی مشاور از تکنیک های خاص مشاوره ای است، در حالی که در اینجا این تکنیک ها ضرورت پیدا نمی کند.

لازم به ذکر است که مشاوره با صورت دهر تفاوت دارد. بدین معنی که در صورت دهری که معانی در زمینه راه های به صواب می آید معمولاً مراجع بخاطر طرح مسئله در باره خود و یا گرفتن اطلاعات به منظور کمک رساندن به فردی در راه است. مراجع مبتدی در زمینه موضوع صورت می گیرد، تا بتواند دست عمل بگذارد، به نوعی صورت دهری است. برای سبکتری از تفکرات نا درست صورت می گیرد و با مشاوره که یک فرایند تحفیف و عکس است، متفاوت خواهد بود.

الون که با این معانی آشنا شدیم می توانیم به بحث درباره راه های مشاوره گروهی بپردازیم.

در راه های انفرادی مشاور باید مراجع سرکار دارد، و به جمع آوری اطلاعات و شناسایی فرد مذکور (مراجع) می پردازد، اما در راه های گروهی تعداد مراجعین یکی از یک نفر است.

به عبارتی، راجانی گروهی جمع امرای است که برای رسیدن به هدف یا مقاصد معینی ملت

ملیت
در راجانی گروه هدف ها، نوع عضویت، نوع جری، هر وجه از عوامل تنفیذ هدف هستند.

هدف اصلی راجانی گروهی یک اطلاعاتی در زمینه های تربیتی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی است.

راجانی گروهی نیز فعالیتی سازمان یافته است به دست گیری از حاکمات.

در انجام راجانی گروهی، رهبر گروه به تحفص و تحرکات نیاز دارد. زیرا در ضمن گروهی با حل مشکل و یا بستن عائق یا روانی های مزاحم نیستیم و تقریباً هر فردی که دانش یا آگاهی خاصی لازم را داشته باشد، میتواند راجانی گروهی را اجرا کند.

مثلاً یک معلم میتواند راجای خود برای دانش آموزان باشد. البته در میان راجانی گروهی میتوان از اشخاص و سازمان ها مانند منظم، اسلامی و نهادهای استقلالی و آزادی طلبی استفاده کرد.

به نوعی راجانی برای هر افراد در مواقع خاص و ضروری و ضروری در شرایط زندگی در مواقع راجا و در مواقع نیز راجانی گریزه بر نوات.

و اما مشاوری گروهی با راجانی گروهی تفاوت دارد. مشاوری گروهی، یک سلسله فعالیت های سازمان یافته است که با تعداد معینی شرکت کنند در یک زمان انجام میگردد. این قبیل فعالیت ها (چه فردی چه گروهی) جنبه درمانی و پیشگیری دارد.

در مشاوری گروهی ماهی یک موضوعی ۲۰ تا ۳۰ نفر با تقریباً ۸ این شرکت کنند. گروه در هر هم می نشینند و به سبب و تجربه تحلیل مسائل که عمدتاً عاطفی و روانی اند، به بر دارند.

در دوسم صفت راه طی برای مصلح باید به معنی رسیدن هدف مأوره در درجه اول محو کمال و مصلحت و در مرحله بعد بگیری از بیامدهای اقله است یا صبری از دانه را بگردن مصلح

بر عکس را میخوانیم گروهی، رهبری طاعت مأوره گروهی به تحف و تبصر نیاز دارد و در هر فردی می تواند مأوره گروهی را تقبل و آن را با موفقیت هدایت کند

بر عکس، رهبران چنین گروهی علاوه بر دانش و تحف لازم به باور عمیق و ایمان را میسر داشته باشد، یعنی، علاوه بر بزرگداشتن دوده ها، آموزه لازم به دستورات گروه ها را تحت نظر و تحف سرپرستی کند تا بتواند خارج لازم برای مأوره گروهی را تبیین نماید و در این راستا موفق عمل کند

به عنوان نمونه راهی و مأوره یک مکتبی در زمینه روان دریا گروهی نیز صرفه دارد

روان دریا گروهی به یک سیستم معنایی و باورمان یافته ای است که توسط درمانگر با تعداد معینی شرکت کننده و به منظور درمان مشکلات عمیق تحف و انجام میزید

با این تفاسیر، درمانگر گروه باید از تحف و تبصر نیاز روانی برخوردار باشد و با استفاده از کارکردن با مشکلات عمیق تحف و تبصر نیاز روانی را به معنی در رفع گروهی هم عمل برآورده می آید و علاوه بر دانش و تحف به تجربه خاص نیز نیاز دارد

نوع گروه	صفت
راحمی گروهی	بکتری
مشاره گروهی	درمان + بکتری
روان درمانی	درمان

راحمی و مشاره گروهی در مقایسه با راهمانی و مشاره فردی از جانی بر خوردار است که عبارتند از:

- (۱) راهمانی و مشاره گروهی از نظر زمان و هزینه در مقایسه با نوع فردی مترون به صرفه تر است
- (۲) گروهی در وقتی را فراهم می آورد که در امرار در آنج که هر صفتی است ایجاد رابطه مستقیم به بیمار می گردد و وقت با دلی که هر و صفتی را فراهم می کند.

(۳) نقیبات گروهی معمولاً از لحاظ امرائی بیشتری برخوردارند، شرکت کنندگان در گروهی از یک و در هر موضوع از ادانه نقیبات راه اشتراک اتخاذ می کنند و پس از صدور امرای آن بر می آیند، نقیباتی که به دور از مشار و اصرار اتخاذ می شوند، رغبت بیشتری را برای اجرای امرائی که آن خواهند داشت و آن به خصوص یک رهبر گروه یا مانوق در اجرای این امر نقیبات بسیار مؤثرند.

(۴) عکس العمل های اعضا در مشاره گروهی به مراتب بیشتر از عکس العمل های حلقه ای بقدری می باشد. تعداد عکس العمل ها و روابط طایفه اعضا عامل مهم در باور و تغییر رفتار است و به مقدار زیادی پویایی را میسر می سازد.

(۵) از طریق معالمت ها گروهی می توان آن عده از افرادی را که به راهمانی و مشاره فردی نیاز دارند را متخین کرد و بطور انفرادی با آنها به مشار و بر طرف رسیدن گروه می تواند مقدمه ای برای مشاره های انفرادی نیز باشد.

۷) از طریق تحصیل گروه است که افراد سودمندی می‌توانند انسان در هر نضای که
 هست محفزه مردم نیست و دیگران نیز با مصلحتی شایسته یا فراتر مواج اند. همین
 آگاهی می‌تواند تاکنون رهنمود و اعلام کنی مابعد را از معارف این افراد در حیات
 و بقدرت آثار نگاهد.

در جوانی اساسی گروه ها

۱) رازداری در گروه :

هر شخصی باید اجماع کردن و لازم روی را در گروه تجربه نماید. یک مسئله مهم و
 قابل توجهی که اغلب می‌تواند مانع بیشتر حالت های گروهی شود، عدم اجماعی
 است که اعضای گروه نسبت به یکدیگر دارند.

بطور کلی بازگردد کردن احساسات برای شنونده های عمل و لازم روی را
 از مسائل برای انسان مفهم می‌آورد. حال آنکه نظر می‌رسد که مصلحتی که تا به این
 حیات گروهی حس می‌شود و انرژی بسیاری باید صرف رفع آن گردد و بنابراین در
 مورد افشای نیازها و مسائل مطرح شده در گروه است.

لازم است اعضای شرکت کننده در گروه هر کدام در مورد اهمیت رازداری
 و اجماع کردن و نفس این امر و ایجاد و اقراسی احساس امنیت در گروه و عیب
 و تبارل تو نمایند.

به اعضای گروه باید آموزش داد تا با مسائل مطرح شده در گروه برخورد محضی داشته
 باشند و حتی در گروه هدف از افشای نیازها مورد سر بر قرار گردد، تا بازگشت بودن
 این حرکت برای همان واضح شود.

بنظر می‌رسد که برخی از افراد بدین ندانستن یک برنامه مناسب برای نذر اندن اوقات
 فراغت خود به به گفتن مسائل و تبارل و افشای نیازها آنها میسر می‌گردد و خطرناک تر
 آنکه گاهی خود نیز مطالبی به مسئله اصلی می‌افزایند.

طاهر نیز افراد چون مایل نیستند در مورد مسائل خود صحبت کنند، در مورد ریدان صحبت
میکند و متناوب با برقیست مسائل ریدان را طاهر میشن از پیش و پس از اندازه
هم و مرتب میکند. (کاربرد مکانیزم‌های دفاعی) مایل نیست به آرامش

طاهر نیز افراد هرگز در مورد توجیه قرار گرفتن ندارند، این افراد با آگاهی کامل، اقدام
به این عمل (امسای روزهای ریدان) نموده و نیز در صدد تک توجیه و یا امتیازاتی
می‌نمایند.

درحالتاً، در مطلوب ترین وضع هدف امسای روزهای ریدان شاید به اعتقاد آن
نزدیک به بازگو کننده باشد. هدف از برررسی این مسائل این است که افراد هوش منطقی
به این موضوع بپردازند و به آن مرصه از ریشه اخلاق برسند. بعضی مسائل را رعایت کنند.

امسای رازهای گروه هر دلیلی که باشد چلی است که باید بصورت جدی با آن برخورد شود.
بسیار لازم است آگاهی‌های لازم، در گروه در این زمینه ایجاد شود.

② پذیرش در گروه :

در یک گروه وقتی روابط برابری پذیرش و حمایت باشد، شرایط مساعدی برای سایر
مراحل، و جنبش‌هایی که در داخل گروه باید بوجود آید، ایجاد میشود.

لازم است در گروه شرایط فراهم شود تا هر عضو بتواند، اصطلاحات واقعی خود را بیان کند
نیاید این رهبر گروه باید به اعضا آموزش دهد تا حق ریدان را برای داشتن اصطلاحات و
عقاید مخصوص به خود محترم نمایند و در واقع هر عضوی باید صافنظری که هست در گروه
پذیرفته شود.

رهبر گروه باید نحوه برخورد صحیح را به اعضای گروه آموزش دهد، ابتدا در گروه طاهر

مشاهده میشود که به محض ابراز عقده ای از صف بد تقریبی از اعضا، با حاکم تعجب یا اعتراض، غریبانه بودن عقده او را بیان میکند، به همین دلیل قبل از شروع صفاقت ها، گروهی، در این زمینه ها باید، تا آنجا که لازم باشد، با هم توافق و دروس شود، تا باز خورد های که حاکم از عدم بدترین یا مستقامت کردن افراد است اراده نکرد.

برای یکی از اهداف گروه فرصت دالان به افراد برای ابراز وجود، تناقض و بیان احساسات و هم چنین اراده اعتقادات خود را نقیضی است و افزایش اعتماد به نفس برای قدرت ابراز خود و درک توانایی ها و حتی ساقط محکم شخصی، در این مورد به مراحل رشد بست است.

در ضمن رضایت است، امکان تغییر و رشد می باشد. به عبارتی برای تغییر کردن قبل از هر چیزی باید، در حرفت با بی، بدون هیچ انسانی نقش و زبان کاری.

✓ (۳) چگونه روابط متقابل اعضای گروه:

یکی از عوامل اصلی موفقیت ها، گروه کیفیت روابط و چگونه تبادل نظر اعضا در گروه می باشد. هم چنین یکی از مهم ترین نقش های هر گروه منزه، مالک بر رنج، سطح مسئولیت و روابط سازنده می باشد و اینکه تدابیر کند تا، گروهی یکایم و منجم تعیل دهد.

به عبارتی، نقش هر گروه ترم به روابط اعضا است و معنی را که می آید این است. بطور کلی، وی باید بتواند اعضا را حولی آمادگی کند که بدون آنکه با یکدیگر روابط محکم و محسوس پیدا کنند و با بر عکس دائم به جهت ترکیب غلبه می بر دارند. در بیشتر تحقیقات اهداف گروهی پیش بروند.

گاهی مشاهده میشود و افرادی برای ایجاد یک رابطه عینی و صمیمی مهارت طبعی دارند و دیگران ارتباط و تقویت می کنند، یعنی با قیاس در بر گشتل رفتارهای احاطه خود بخود و

و پس از چند صبح می‌شوند و یا توانایی ساختن یا بزرگ کردن اندامند
 حال آنکه اگر می‌توانند به برهه‌های و ریشه‌های گوناگون و استخوان و باطن صلب و همد
 و کفنی در رهت رستای به اهداف گروه ارت

از طرفی روابط عرک‌های تعدادی از اعضا، می‌تواند شرایط را فراهم آورد که این
 افراد از راهم نورخ بیشتر درت بیوند تا با گروه نورخ بطور کلی، ممکن است درون
 گروه، باره گروهی را قتل شود

بر این افراد اعضای را که مثل خورشیدان فکر می‌کنند را حذف کند، با هم بصر می‌کنند، با هم
 در حسابات شرکت کنند و با هم غالب شوند. حال اگر این باره گروه هفت نفر از طرف
 گروه اصلی داشته باشد، بسیار مشکل ساز خواهد شد و ریشه‌های گروه ریشه‌های
 خود را از دست خواهد داد.

④ به یاد داشته باشیم که مجلس به اندازه خود فرد از احساسات گروه این سطحی ندارد
 از این او اگر فردی در گروه اظهار می‌دارد که بسیار نگران یا مضطرب است، نباید
 به او توجه شود، و توانست به مکتبی یا فکر مکتبی، در عوض هر است از فردی که
 شده تا بیشتر در باره احساسات خود این محبت کند

اعضای گروه باید با کمک یکدیگر احساسات و افکار خود را روشن تر و دقیق تر برر
 کنند، هم چنین نوشتن دادن فعال اعضا به یکدیگر این عمل را تسریع می‌کند.

اگر فردی آگاه به این طبع مقدس را در گروه دارد، اعضای گروه نباید او را برای بازگشت
 مشکلات تحت فشار قرار دهند، بلکه باید با تدبیر و دلداری او را از فشارهای طبع مقدس
 آواره کنند و قادر نیز حتی به صبح راه تا آخر باید آرد.

⑤ تمام اعضای گروه باید در تصمیم گیری ها و حالت مؤثر داشته باشند و اگر مرد یا امراری با تعینات اتخاذ شده مخالفند باید به صورت آن را در گروه مطرح سازند و بیگانه و استدلال در باره آن، بیرون دارند.

در از یک هفتاد و هشت، در باره جواب مختلف تعینات اتخاذ شده، با هم بحث می کنند و موافقت به رعایت و سرور از آن شوند. به عبارت دیگر تمام اعضای گروه مسئولیت مستندی دارند، پس باید در وقت تحقق اهداف و مسئولیت ها و هم چنین اتخاذ تعینات نیز مستحقاً کوشش داشته باشند.

⑥ چنانچه ما و یا مدیر گروه در موقع خروج یکی از اعضا گروه را به صلاح گروه و به نفع خود خرد نکنیم و بدهد، مجاز است موقتاً حمله گروه را ترک کند، البته به طور موقت و باید طی حمله ای انفرادی با آن فرد گفت و گو کند و او را در صحنه حاضر مورد نیازش قرار دهد.

⑦ یکی دیگر از توانمندی های گروه زیربازی برای اجرائی بیایی در گروه است، همانند که گفتیم، توانایی عبارت است از: در حرمان فعل و انفعالات و تأثیر و تأثرات متقابل و هم جانبه در سطح گروهی افراد که به منظور حمله دور یکدیگر جمع شده اند.

هم چنین بیایی می تواند تغییرات بارش دهی های باشد، که در گروه بود و می آید و این تغییرات خود مانع از تغییرات است که در هر یک از اعضا گروه حاصل شده است. هر چه افراد یک گروه از همگی بیشتر بر طرفدار باشند به آن اندازه تأثیر بیشتری بر آن می رسد و در نهایت و در نتیجه به اهداف خاصی خواهند رسید.

و هر گروه برای تحقق یوایی گروه باید بر مواردی توجه داشته باشد:

۱- **مقدار دستگیر**
حفظ آداب اعضا حیاتی است و در برخی موارد آداب مستوی، حضور امراری
با گروه خواهد داشت اما مسائل و مشکلات دارند، که آن را از رتبه
معانی باز میدارد و مانع رتبه گروهی شود.

۲- **هم چنین حضور اجباری و فراموشی افراد نیز کارآمد نیست**، این مسئله امر از آن دسته
گفته بر صورتی نیست و حضور مرتبی نیز نخواهد داشت.

۳- **بهره گیری**، عواملی که مانع یوایی و اشتراک صورتی، عبارتند از:

- **نداشتن انگیزه و هدف** برای شرکت در گروه

= **عدم آشنایی** با اعضای گروه

= **عدم حمایت و تفریش** فرد از سوی اعضای گروه

- **نداشتن اطلاعات** کافی درباره مسائل مورد بحث در گروه

- **گروسی مرد یا تعداد بودن بیش از حد** او و هم چنین ترس او از بازخورد های گروه

- **تبعیض** در هر گروه بین افراد و گویا به بعضی از اعضا قوم بیشتری داشته باشد و مصداق
صرف در آن زمان را می توانیم بگویم.

۴- ترس از واکنش عاطفی

افرادى که به گروه مراجعه میکنند معمولاً مشکلات دارند و از حمایت های برخوردارند و
این آنها را آب بدن می کنند و این موجب می شود که ز مانند آنان ها را از ناراحتی ها و
روان بخوبی را در برابر اعضا گروه بپوشانند و از این مطالب می شنوند، مفعول
مرد و از ترس این که با آن ناراحتی ها را در آنجا بپوشانند و به آن ترس می رسد که مادر به عاری
با گروه نبوده و گروه را ترک نمایند.

در هر گروه دارفم است بر این را مفهم نماید تا هر فردی نسبت به حساست ها و نقاط ضعف و قوت خویش شناختی حاصل نماید ، روشن نماید که این تریخ برقی ها ، و ندرانی ها چیستی آرند / به صدر مرز باشند میتوانست متب بدقی شوند و به اعضا کمک کند تا به ریخ ها و ناراحتی های خود پی ببرند و طیفی از تالی بری این تفکرات به اساس را مورد تحری و تحلیل قرار دهند و دیگر برای همی با خطا های شناختی خود مواجه شوند و جای ترک کرده بخواست بدون ترس از واکنش عاطفی با آرایش از صلبت کرده استقامت نمایند .

وقتی که انسان احساس نرانی و یا رغبت میکند این احساس و استی است / از حیوانی فکری خود را و در آن لحظه سرچشمی ترقیه است .
ذهن این عادت کرده که به رسیدن احساس رندگی از ۲ جنبه نگاه کند با آگاهی نوع رابطی داشته باشد .
بله ، دیدار رابطی و واقعی ، در پی ، دیدار رابطی ذهنی

دید ذهنی یا تعبیر و تفسیر که بر این انسان نه طبیعی است و نه لازم بلکه خاصی ذهنی است که در صفی از مواقع ظاهر و غریب است ، که به نخی بر این تحمل شود و مسائل از آن به بار می آید ، که برای این میتوانست متدنا شود .

خطا های شناختی یا بیافیت های ذهنی غریبی بد هویت فکری برای انسان در است میکند که سبب در شرح تفکر وضع سازهای داشته باشند و به بتدریج ارزش های را به انسان عرضه کرده و با در ها و راه او عمل میکند و انسان را و آوار میکند تا رندگی خود را با آن تنظیم کند و نشی سرد و ماهیت آن ارزش ها و بارها که در اثر خطا های شناختی شکل گرفته اند ، غوری است که روز به روز کیفیت پیچیده تر و ناخوشانندری پیدا میکند .

بطوریکه جمله انکار ناهایند و احساسات ناخوشانند و وجود انسان را تبدیل به بد /
چند تارض و شمش صیارد و انسان را با رملی

باید بدانیم افکار انسان قدرت زیادی دارند و می‌توانند به اصدات و رفتارها، جهت دهند. پس این قبیل افراد که از خطاهای ناشی از رخ می‌سازند و بابت مثل آن‌ها چیزهایی از خطاهای آنها شده و مدیریت خود و کنترل افکار را فراموش می‌کنند.

اگر مردم را از دیدگاه ناشی مورد توجه قرار دهیم، باید بگوییم این خود را هستند که برپایه‌های هیجانی را برای خود بوجود می‌آورند و برعکس می‌آیند. حاکم اراده نیست، سووهای را می‌آورند و سلامت هیجانی را برای آنها به ارمغان می‌آورد.

تغییر برپایه‌های ناشی، می‌کنند که مردم قدرت لازم برای کنترل عادات خود را ندارند. اما برای تغییر کردن لازم است به طور فعال تلاش کنند تا کنترل افکار اصدات و رفتار خود را در دست بگیرند. می‌کنند، این حوادث نیستند که باعث برپایه‌های روانی افراد شوند بلکه خود ای که هر فرد این برپایه‌ها را تغییر و تغییر می‌کند موجب برپایه‌های حال او را قطع می‌کند.

عادات‌های نادره و رفتاری است تا اعضای گروه با خود و امتعای آنها شوند و به برپایه‌های افکارها و نگرانی‌های خود می‌سازند و از بازخورد آنها جهت یافت و در بیان خود استفاده می‌کنند.

تعارض و تنش در گروه

طبیعی است که وقتی عده‌ای کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، احتمال ایجاد بروز عاید، حسرت دارند احساسات، و بطور کلی بود تفاوت‌های نیز بوجود می‌آید.

به عبارتی، وضعیت‌های گروهی می‌تواند زمینه را برای بروز احساسات منفی مانند تنفر، عصبانیت، در خصا، تنفر، فتنه، این امر اثر می‌گذارد و می‌تواند منتهی آمار میزان

عزیمتی نریزید. به عبارتی نفر میسر کرده، بدون وجه و عارض از مردی
به خود راست خواهند شد.

عارض در گروه عزیمت به اعتبار است، و سده ای است که طاق اتفاق می افتد و
اما گروهی که راز داری، پذیرش، حالت و در این صیغ و عطف را می بیند و دیده
بایستد را حد با این تعارضات بر خود خواهند کرد.

این جنس گروه پذیرنده این جنس اصنام نیز خواهد بود. زیرا اینها به این
است که افراد خاطر احسان است و حالت اصنام واقعی و درونی خود را،
بیرون می ریزند.

و لطف هر گروه نیز به رفع و یا از بین بردن، به کس حالت به او باید از وجود
تعارضات برای رسیدن به هدف درست گروه استقامت نماید و گروه را به
خوب و بد بلوغ می باند.

هر گروه باید آجازه دهد تا تعارضات در خود را در گروه بروز دهند و به یک تجربه
دسته به سر بزنند، که ملأ دانش و تحقق هر گروه در این مسیر اوضاع را مدیریت
خواهد کرد.

عارض و مسئول به دلایل مختلف بروز میکند به برخی از این دلایل عبارتند از :
- بروز دُخفت ها :

الگوتون داشته باشیم که هر یک در زمان و وقت خود را بگذرانند و در هر حال
سکه نفر به فرد ندارد که او را از دیگران متمایز کند، پس سکه به خود
گفت ها را درک می توانیم.

- رعایت برای جلب توجه هر گروه :

تفاوت در مراتب هار و عراق

سہ تجارتی محکمات، ہندو سرکاری امور اور مختلف

بر عکس از من می‌شنوی و رتبه برای من از تفاوت متفاوت است و به باطن از دیدگاه های
تکلیفی نگاه می‌کنی ، پس چرا به تفاوت زنده می‌بخشی و خود را در من با خود می‌بینی ، و علاوه
بر انسان با سر می‌نگری ؟

- حَمْدُ رُبِّكَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و در ضایع می رهبر بروه در مواج ما تعارضات بر این صورت است :

① تحریر است کہ با عفا اجازہ را از خود سوز تا محکم روا بود .
 بہ عبارت دیگر ، عفا نہ ہم باید سرزد و نہ زنی قرار گیرند ، ہم چنین عفا بد است کہ از معلوم بخوان
 محکم عفا نہ ، نہ تصدیق و نہ سب .

(۲) با وجود تیرگی احساسات بقیه ما هر گروه نباید اجازه دهد که تقاضای این عیب است
بر خود او مال عفت آب برساند.
در مواردی که سرور عفت زبان عیب باشد و یا مانع عفت گروه گردد و یا سرور
عفتان ببرد نماید یا بر احساسات خود غلبه کند و این را به طریق سازنده و درست است
نماید و حتی گاهی مستر باشد عضو سرخاشر را محدود و عذره و یا برای حفظ حق از گروه
خارج کند.

(۳) هر قدر لازم است که عمومی را که مرتباً از کوره بیرون رود را از حمور و بروه
محافظت کرد و برای او مصلحات فردی در نظر گرفت تا مگر که مهارت های فردی و اجتماعی
لذت را از مدرش بپسند و پس بگروه علقه شود. زیرا که این وید ویریش پس از حد
بپر خائری و عبادت موصیات نفوت فردی را شکر می کند، نه موصیات اجتماع
و احسن او را.

انتقاد

انتقاد اعضای یک گروه از دیگران امری عادی و طبیعی است و با آنکه در سده
از هزاره رمانت ها و یا مخالفت هایی را بوجود آورده اما خارج به طرز هر صدانه
در جهت سود و برای اعضای گروه سودمند خواهد بود.

انتقاد باید بصورت معجزه سازنده در مقام ها و گروهی مطرح شود و روشن گردد
که اعضای گروه قصد تجاوز به فکر و اختیارات دیگران را ندارند، باید شرایط
مطرح شود که انتقاد نوعی تحقیر و خوارمانه تلقی شود نه دقت و سرزنش.

انتقاد به انتقاد به نقل قدرت و کسره باعث اتلاف ارزش ها و افراد
شود و گاهی را در مقابل دیگران قرار میدهد، رطوبت رهجو گروه است که به افراد
تحقیر کند که انتقاد عبارت است از:

۱- انتقال اصداعات به دیگران به به نوعی که برآید آن اصداعات را در جهت مصالح
خود کار ببرند.

۲- این قضاوت، انتقاد باید وسیله ای برای توثیق و تراسس کردن فردی و حتی گروه
روابط اجتماعی باشد، که البته از یک طرف و در گروه ها انتقاد سازنده هستند که
بین انتقاد کننده و انتقاد شونده ارتباط برقرار کند و در این صورت انتقاد
مفید است.

۳- گاهی ریشه سود در یک گروه، انتقاد هدفی غیر از (توضیح ناپذیر) را در برابر
یعنی به معنای انتقاد داشتن بر ضعف ها و خطاها و یا خورده نگرهای قطعی و ضروری
و مشخص از قبیل سرزنش کردن / عیب جوئی عذرخواهی / و یا توبیخ کردن ندارند،

این جاست که انتقاد از روند سالم خود خارج شود.

چرا انتقاد مخرب منفی مسود ؟

① انتقاد به نقل راجع و کاملاً خود را بر ما میسر است، یعنی انتقاد مسود حرف
خوب و فرض نیست که دیگر بماند نیست و قابل توصیف می‌دهد.

مسود منفی انتقاد نیست، انتقاد مسود را نیز به دانش منفی و اسرار دارد.
و اینها هم می‌ماند ؟

به خاص / گریز کردن / و یا با نام بران به صورت و خونی به سانه مخالفت /

مس انتقاد نیست و بدون توصیف درست نیست.

② در انتقادها، مداخله، انتقاد مسود به نقلی غیر منصفانه و معاصات طاعت را
حرف ترا می‌دهد، در حالی که منظور از انتقاد مسود نقد و بر عاقلانه است، که
مربای نکات + را نیز مورد توجه قرار دهد.

اگر هنگام بازگشت نکات منفی به نکات قوت هم توجه شود و بدین سوزنده می‌ماند.

③ فراموش نکنیم که هدف از انتقاد مسود رساندن به آید، حال آنکه انتقاد
به نقل راجع خود، معمولاً اقبال رشت و سیرت را از بین می‌برد و نگاه منفی را
که امکان بهبود در آن وجود دارد را به وصفی منفی و نقیض تبدیل می‌کند.

چرا نمی‌خواهیم به انتقاد خبیث منفی و مخرب مسود ؟

④ برخی انتقادها در واقع هیچ هدف سازنده‌ای را به دنبال نمی‌کنند، برایشان گریز کردن، مخالفت و
و یا تحقیر کردن طرف مقابل تنها هدف‌هایی است که به ذهن می‌رسد. به این می‌توانیم
انتقاد، جنبه‌ی منفی و مخرب می‌دهد.

(۳) اگر خواهی انتقاد سازنده مایی، و سبب تخریب نگردد، باید پیش از نقادی به مورد انتقاد قرار گرفته و کسی که رفتار از او شر زده، تبادت مایل باشیم.

(۳) وقتی که موارد انتقاد، ممکن باشد، و انتقاد کننده بصورت کلی و غیر عارف شرح به بحث کند، پس انتقاد کننده صحبت ها، او را درک نخواهد کرد. انتقاد وقتی سازنده است که واضح و شفاف باشد و حتی انتقاد کننده، را. ص. ها و مایه ها دهایی را نیز ارائه دهد.

(۴) اگر خواهی انتقاد مؤثر واقع شود، لازم است به زمان / مکان / و حضور / مایه دیگر و وقت روح انتقاد کننده توجه مایی داشته باشیم. کسی که ذهنی آشفته دارد، و یا امزده و نگران است، و یا بیس از حد به تطبیات دیگران حساس شده است، به آنچه انتقاد کننده میگوید، توجه لازم را نمی کند.

توجه به شرایط محیطی و هم چنین توجه به احاطات فردی می تواند ما را نسبت به شرایطی که برای انتقاد مناسب است، آگاه سازد، شرایط نامساعد، انتقاد را از اعتبار می اندازد.

(۵) هنگامیکه انتقادی به اثر می رسد، همه می گویند آن، متوجه انتقاد شده و نحوه انتقاد او نیست. زیرا انتقاد دشمنی هم می تواند قاصد انتقاد کردن به طریقی عرفی انجام شود. به عبارت دیگر افکار / احاطات و رفتار نسبت انتقاد کننده می تواند مانع بر سر راه انتقاد دهنده سازنده باشد. با زندگی همیشه زمانه اتفاق می افتد که در مقام طرح انتقاد یک جریان تقابلی و لوی هوشمندان و به عبارتی وجود داشته باشد.

فصل هجده در برابر انتقاد اعضا از مدیر

① تکلیف منع انتقاد :

آیا انتقاد شده به دلیل آنکه در تخصص، واحد یا امر لازم را به مقاربت در مورد رفتار سایر اعضای گروه باشد؟
آیا مقاربت فرد بر مبنای اطلاعات و تجربیات است؟ و یا بر جرات است؟ تطات
کف و نگاه حتی تسلی خاطر عاقل او؟

اگر بایستی این اصل از اهمیت خارج شود و در اصل به نفع مدیریت امراد
و در آن اواز مقاربت همان فرد باشد.

② ارزش انتقاد :

روند ارزشی به فردی میگذرد تا در بایده آید که انتقاد به آن اندازه اهمیت دارد
یا عمل شود، یعنی نیاز به تغییر رفتار باشد؟

اگر در روند ارزشی به این نتیجه رسیدیم که در واقع انتقاد به فرد ارزشمند است، میتوانیم
آن را به طرز صحیح و به نفع مدیریت و به نفع سازمان بیاوریم.

③ شکستن مقاومت امراد در برابر انتقاد :

یکی از مقاومتها هم به دلیل گروه، یکی به دلیل اعضا و یکی به دلیل انتقادات مدیر است. مدیر
به عنوان سازنده به این معنات که اگر یک فردی از آن معنات و سبب آن را
مکمل به رسمیت خود انتقاد کنیم و آن را به نفع برای تغییر رفتارنا مطلوب و
حاصل بخش کردن رفتار جمع بدانیم.

مقاومت چیست؟

در میان تفاوت های گروهی، گاهی دیده شود که برخی اعضا، از تکلیف مقاربت

استفاده و سبک در عبارت خود به صورت ناخودآگاه، متغایب است از ترانس های خود دست نند.

بعضی مکی متغیر از مقادیر است و به وسیله های کم و بیش ناخودآگاه در رویه است که روی هم زفته سستی را به دست نند از ترانس های نروتنیک در نزد پدید می آورد.

این افعال و عوارض را بخشن بار مردنیک بار مرد و متغایب است از به هر روی در رای بودیم به حدی مانع درمان شود، و با درمان را به معوق بیاندازد.

مقدمات و مقدمات های مختلف در پی میروند : (نانه های مقدمات)

① مخالف کردن و با اعتراض های علی.

② واسطه های عاطفی و دفاعی، که می تواند بصورت های مختلف باشد مانند احساس ترس از درمانگر / و عزیمات و تقابل کردن او / احساس قوت نند به درمانگر / عدم همکاری و تحریک اضطراب رنای / تظاهر به رفتارهای مورد انتظار گروه جهت جلب دوستی و عبارت بصورت توکو روانی که در میان درمانگر، بصورتیکه محقق در رفتار و عملکرد خود تا آنکه تصدیق می کند، نشان می دهد.

③ واسطه های دفاع و سرزنش، که بصورت زیر می آید :

به رنجی نت به غریبه شدن مایل مطرح شود در گروه / محقق تا حدی قریبی تر شود ندارد و قدرت جلوه امر از وجود ما ارائه اندیشه و با تعاملی با گروه ندارد / به قناره مردنیت به سائل مطرح شود در گروه بطوریکه از بحث های گروهی به جهانه های مختلف مانند گرفتاری / عدم آمادگی / متغایب ذهنی / و ... تفرقه می رود.

داخل میله مقدمات به

④ تحت مایه مقدمات هارا شناخت و دانستن به طور کلی مقدمات هارا ندی این هستند که نزد قدرت و مردنیت با معالقی را ندارد.

۲) آمادگی داشتن جهت سرور و با حقایق و مقاربت ها
فرد باید سرور باشد که غیر خبیثی وی را به مقاربت برانگیزد؟ و می که علت را
بیدا کرد و در آن با حق خود و هر می تواند به تجزیه و تحلیل می راجد و می به ماهیت
مقاربت خود برسد و بر آن عمل کند.

۳) گفتم در تجزیه و تحلیل مقاربت ها نباید دیدن همان ای رده ای داشته باشد و
یا خود را با طریقی خاص با رانیت ها سرزنش کند، هر است فرد و از وی
نرمند و مقاربت ها در سرور خود را با رانیت در واقع ضایع می کند
آنها را با عنوان عیوب و کاست ها خود می بیند و درک کند که سبب رخصت کردن
حلقه ای از زنجیر است، بهم است که فرد در حدود شناخت و میزان
برآید و از این سبب ها برآید که استفا شوند.